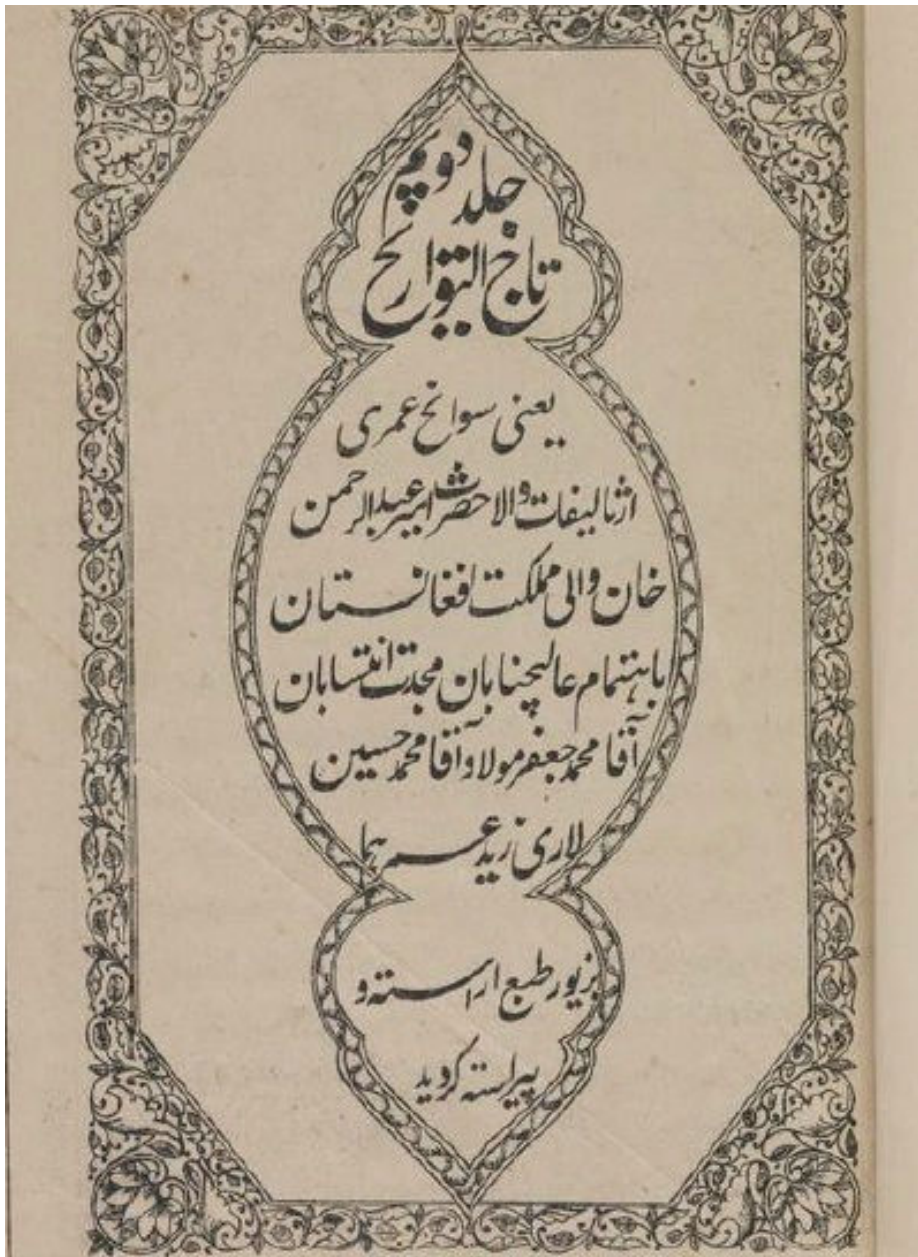


مراسم بیعت در لویه جرگه احمد شاه بابا

ص 152-153: ... بعد از اتفاق در این باب همه آنها علف سبز بدهان خود گرفتند و این علامت آن بوده یعنی همه ما ها مواشی و حیوان بارکش شما میباشیم و پارچه را هم بشکل ریسمان بگردن خود انداخته بجهت علامت اینکه ما حاضریم از شما پیروی نمائیم و باین قسم باو بیعت کردند...



که زمان حکومت احمد شاه حالات تاریخی افغانستان را مختصراً بیان نمایم لهذا شرح تاریخ را از بدو جدا
احمد شاه تحت حکومت افغانستان شروع میکنم مطالعه کنندگان کتاب من که طالب اطلاع حالات
قبل از آنرا باشند کتب مورخین دیگر رجوع نمایند در سینه میلادی مطابق سنه هجری بعد از وفات
تاورشاه حالات بلوک الطوائفی و مرج و مرج در افغانستان جاری شد آن حالت مرج و مرج بود سلطنت ظریف
درانی که در وقتش در اهرم از اینکه من از همان طایفه سیب با ششم احمد شاه موسس اولین این سلطنت کی از
خواین طایفه سدوزانی که قبایل از قبایل طایفه ابدالی سیب باشد بود بسبب خوایی که وی معروف مکنی دیده
بود احمد شاه لقب شاه و در آنرا اختیار نمود چه امیر دوست محمد خان که از طایفه بارکزانی بود که شعبه از طایفه
دانی است نسب احمد شاه اولین پادشاه درانی و سدوزانی و نسب امیر دوست محمد خان اولین پادشاه درانی
بارکزانی باین قسم بهم اتصال سیب با بد که سد و بارک اجداد نمایند و خانواده سلطنتی درانی دو برادر صلیبی و یکی
بوده اند احمد شاه در سنه میلادی مطابق سنه هجری در قندهار تاج سلطنت را سرگذاشت و شهر بلخ
پای تخت خود قرار داد این سالی است که در آن سال افغانستان اولین مرتبه پادشاهی را تحت تاج و دولت
اجماعی را بجهت حکمرانی مملکت قایم نمودند بعد از گذشتن در شاه در سنه کوره نماینده ما و خواین طایفه
و عشایر مستعده افغانستان یعنی حاجی جمال خان بارکزانی و محبت خان و سردار جهان خان پوپلزای
موسی خان آخوندزانی که معروف بادکی بوده است و نور محمد خان غلجانی و نصر الله خان نورزایی و
احمد خان سدوزانی در زیارتگاه شیر سنخ بابا که نزدیک قندهار سیب باشد مجلس شورای استعفا نمودند تا پادشاهی
را از بین خودشان بکمرانی منتخب نمایند و بجهت سلطنت او مملکت انبیت داشته باشند ولی غیر از احمد خان
که ساکت بود هر یکی ازین خوانین اصرار داشتند که حق او بجهت سلطنت بالنسبه سایرین بیشتر است
و اینکه خود را سلیح حکمرانی دیگری نخواهد ساخت بعد از مشاجره و مذاکره بسیار ایشان هیچ یکی قادر بکفایت
ولی شخصی مقدس صابر شاه نام خوشه گندی را در دست گرفتند آنرا بسرا احمد خان گذاشت و گفت دیگر
لازم نیست شما با این خودتان نزاع نماید احمد خان برای سلطنت شایسته است تمام خوانین بهم
با احمد خان توجه نموده اظهار داشتند که ما هم دیگر کسی را مناسب تر نمی بینیم که او را برای سلطنت انتخاب

نمایم زیرا که طایفه او یعنی سدوزانی ضعیف ترین و قلیل ترین طوایف میباشد و ازین جهت خیل خود را
 که اکثر اربابیه مشورت نمایند و بای ملکیت رفتار ننمود و غزل او با النسبه بغزل پادشاهی که از طایفه بزرگتر بود
 باشد سملتر خواهد بود و اظهار داشتند که اگر مشارا اربیه بمصلحت ما عمل نمایند ما هم که نماینده بای امین ملکیت
 و ملت میباشیم با او همراهی خواهیم نمود و در نظم سلطنت از همه جهت با او مدد خواهیم داد بعد از اتفاق در این باب
بند آنا علف سبز بدیان خود گرفتند و این علامت آن بوده یعنی همه ما با مواشی و حیوان بارکش شما میباشیم
و پادشاه هم بشکل ریمان بگردن خود انداخته بجهت علامت اینکه ما حاضریم از شما پیروی نمایم و باین قسم با او
بیعت کردند و اختیاریات و محامات خود را بدست او دادند چون احمد شاه را خود االی ملکیت بساطنت منتخب
 نموده بودند تمام خوانین و نماینده بای طقی از او همراهی داشتند و مشارا اربیه آدم مستقیم الرای و تیره پوش
 از دست کش و بغیر رضی بوده است لهذا مشارا اربیه یکی از مقتدرین سلاطین آسیا گردید